

هو الله

ای منادی پیمان مکتوب اخیر وصول یافت مرقوم نموده بودید امروز بالعیان مکشوف و نمایان که بسبب خصومت و عدوان ما به التّزاع بدست اجانب و ابعاد خواهد افتاد مدّتی مدیده از پیش همین فقره مرقوم گردید که باید دولت و ملّت مانند شاهد و شیر با یکدیگر بیامیزند و الاّ کار بدست دول مجاوره افتد و همچنین بصریح عبارت بمقامات مهمّه مرقوم گردید که این روش منتهی بذلت بی‌پایان و نفوذ دیگران گردد و همچنین بمحفل روحانی طهران مرقوم شد که اگر بشکرانه خونخواهی جناب آقا سیّد یحیی سیرجانی گردد و در تبریز شهادت دو شهید که بفتوای میرزا حسن مجتهد واقع تلافی شود و همچنین جزای تعدّیات دیگر این انتصار باقی و الاّ يفعل الله ما یشاء و یرید چون مسموع نگشت حال يفعل الله ما یشاء و یرید تحقق یافت و همچنین بجناب ابن ابهر در وقت حضور در این ارض بصریح عبارت بیان گردید که شکرانه نگشت کفران نعمت شد زیرا خونخواهی در سیرجان واقع نگردید و ظالمان در سنگسر سنگسار نشدند و در تبریز ملاً حسن خونریز کیفر نیافت البتّه تأیید و توفیق منقطع گردد و يفعل الله ما یشاء و یرید تحقّق یابد در بدایت انقلاب عبدالبهاء بنهائیت همّت کوشید که یاران بی‌طرف مانند و خیرخواه دو جهت باشند ملاحظه شد که بعضی تأویل مینمایند و مداخله میفرمایند و نتیجه آنست که حکومت بهانه نماید و مادّه بعضو ضعیف ریزد و جمیع احبّای الهی را قتل عام کنند و واسطه صلح نمایند و بسبب این قضیه حکومت نفوذ شدید یابد و اقتدار خویش بنماید جناب آقا سیّد علی اکبر را احضار نمودم گفتم که آنچه خواستم یارانرا از مداخله منع نمایم ممکن نشد بعضی مائل بمداخله هستند و این نتایج مضرّه بخشد حال محض اینکه این مداخله را منع نمایم میخوامم که عبارتی در حقّ مرکز سلطنت نویسم اگر چنانکه باید و شاید قیام نماید فیها و الاّ بدا از قضایای مسلمّه امر الله است بحضرت امام جعفر صادق گفتند که ما منتظر معصوم سابع بودیم و سابعهم قائمهم میگفتیم چگونه شد که تحقّق نیافت فرمودند آن سابع منم ولی بدا شد خلاصه بمومی الیه گفتم که در قائمیت امام جعفر صادق بدا جائز بود حال اگر چنانکه باید و شاید معمول نگردد بدا اسهل امور است

ای منادی پیمان در خصوص ایجار و استیجار میانه دو احبّاً مرقوم نموده بودید که آجر قبول قیمت ایجار ننماید و مستأجر نیز در دادن قیمت مصرّ است این قضیه بسیار سبب سرور و خوشنودیست که الحمد لله نزع در طلب و ابا نیست بلکه اختلاف در قبض و اعطاست چه قضیه خوشی است که هر یک دیگری را مستحق داند و چون چنین مشکلی دست دهد آنمبلغ بمحلّ الخیرات راجع تا هر دو راضی گردند

و اما در خصوص جناب فرج الله کاشانی یاران الهی باید از برای او کاری پیدا کنند تا ممکن است معاونتی لله بنمایند
علی الخصوص جناب امین که باید ملاحظه ایشان را بدارد و علیک البهّاء الابھی ع ع